



Original Research Article



Investigating the Relationship Between Social Order and Security and the Level of Clinical Anxiety in Urban Areas

Sara Babaei*¹ , Zahra Dastgheib² , Shima Hosseinzadeh³ 

1- Department of Psychology, Islamic Azad University, Ilam Branch, Ilam, Iran. (Corresponding Author)

2- Department of Psychology, Islamic Azad University, Kermanshah Branch, Kermanshah, Iran.

3- Department of Psychology, Islamic Azad University, Hamadan Branch, Hamadan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History

Date Received: 25 April 2025

Date Revised: 18 August 2025

Date Accepted: 3 October 2025

Date published: 17 January 2026

Keywords

Urban Order,
Fear of Crime,
Clinical Anxiety,
Psychological Urbanism.

Corresponding Author Email:

Sara.baba56789@gmail.com

ABSTRACT

This study aimed to investigate the relationship between social order and security and the level of clinical anxiety in urban areas. A descriptive-correlational, multi-stage research design was employed. The statistical population consisted of 1,250 residents from 15 districts of Tehran (categorized based on urban order indices and crime rates), selected through stratified cluster sampling. Data were collected using the Urban Order Index Questionnaire (covering five dimensions: cleanliness, social surveillance, physical surveillance, traffic order, and public space order), the Fear-of-Crime Security Index, and the Clinical Anxiety Questionnaire (with a content validity of 0.89 and a test-retest reliability of 0.87). Data were analyzed using independent t-tests, one-way ANOVA, Pearson correlation, multiple linear regression, and path analysis (via SPSS and AMOS software). The results showed that urban order was not significantly aligned with clinical anxiety levels ($r = -0.12$, $p = 0.08$); however, fear of crime served as a strong predictor of anxiety ($\beta = 0.47$, $p < 0.001$). The relationship between order and anxiety was significantly mediated by fear of crime ($\beta = -0.21$, $p < 0.01$). Path analysis indicated that public space order and social surveillance are key components in mitigating fear of crime ($\beta = 0.38$ and 0.44 , respectively, $p < 0.001$). The final model was confirmed with favorable goodness-of-fit indices ($\chi^2/df = 2.03$, CFI = 0.95, RMSEA = 0.039). This study emphasizes that while order alone does not have a direct effect on anxiety, it plays a significant indirect role in reducing clinical anxiety in urban environments by fostering a sense of security.

How to cite this article:

Babaei, S., Dastgheib, Z., Hosseinzadeh, SH. (2026). Investigating the Relationship Between Social Order and Security and the Level of Clinical Anxiety in Urban Areas. *Journal of Studies and Research in Behavioral Sciences*, 7(4), 22-28.



©2023 The author(s). This is an open access article distributed under Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC), which permits use, sharing, adaptation, distribution and reproduction in any medium or format, as long as you give appropriate credit to the original author(s) and the source.

Publisher: Chatre Andisheh International Publishing Institute



مطالعات و تحقیقات در علوم رفتاری

Homepage: <https://Jobssar.ir>



مقاله پژوهشی

بررسی رابطه بین نظم و امنیت در جامعه و سطح اضطراب بالینی در مناطق شهری

سارا بابایی*^۱ ID، زهرا دستغیب^۲ ID، شیما حسین زاده^۳ ID

۱- گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ایلام، ایران (نویسنده مسئول)

۲- گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

۳- گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران

اطلاعات مقاله

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۲۷

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین نظم و امنیت در جامعه و سطح اضطراب بالینی در مناطق شهری انجام شد. طراحی پژوهش توصیفی-همبستگی و چندمرحله‌ای بود. جامعه آماری شامل ۱۲۵۰ نفر از ساکنان ۱۵ منطقه شهر تهران (طبقه‌بندی شده بر اساس شاخص نظم شهری و نرخ جرم) بود که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای خوشه‌ای انتخاب گردیدند. ابزارهای جمع‌آوری داده شامل: پرسشنامه شاخص نظم شهری با پنج بعد (نظافت، نظارت اجتماعی، نظارت فیزیکی، نظم حمل‌ونقل و نظم فضای عمومی)، پرسشنامه شاخص امنیت ترس و پرسشنامه اضطراب بالینی با اعتبار محتوایی ۰.۸۹ و پایایی آزمون-مجدد ۰.۸۷. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های t مستقل، ANOVA یک‌طرفه، همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی چندگانه و تحلیل مسیر (با نرم‌افزار SPSS و AMOS) انجام شد. نتایج نشان داد که نظم شهری به‌صورت معناداری با سطح اضطراب بالینی هم‌راستا نیست ($r = -0.12, p = 0.08$)، اما امنیت ترس به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده قوی اضطراب عمل کرد ($\beta = 0.47, p < 0.001$)؛ رابطه بین نظم و اضطراب از طریق امنیت ترس به‌صورت میانجی‌گری معنادار ($\beta = -0.21, p < 0.01$) می‌گذشت؛ تحلیل مسیر نشان داد که نظم فضای عمومی و نظارت اجتماعی مؤلفه‌های کلیدی در کاهش امنیت ترس هستند ($\beta = 0.38$ و $\beta = 0.44$ به ترتیب، $p < 0.001$)؛ مدلی نهایی با شاخص‌های برازش مناسب ($\chi^2/df = 2.03, CFI = 0.95, RMSEA = 0.039$) تأیید شد. این پژوهش تأکید می‌کند که نظم به‌تنهایی تأثیر مستقیمی بر اضطراب ندارد، اما از طریق ایجاد حس امنیت، نقش غیرمستقیم قابل توجهی در کاهش اضطراب بالینی در محیط‌های شهری ایفا می‌کند.

واژه‌های کلیدی

نظم شهری،
امنیت ترس،
اضطراب بالینی،
شهرسازی روان‌شناختی

ایمیل نویسنده مسئول

Sara.baba56789@gmail.com

استاد به این مقاله: بابایی، سارا؛ دستغیب، زهرا و حسین زاده، شیما. (۱۴۰۴). بررسی رابطه بین نظم و امنیت در جامعه و سطح اضطراب بالینی در مناطق شهری. *مطالعات و تحقیقات در علوم رفتاری*، ۷(۴)، ۲۲-۲۸.

ناشر: موسسه انتشارات بین‌المللی چتر اندیشه



Creative Commons: CC BY 4.0

مقدمه

در عصر حاضر، شهرنشینی به‌عنوان یکی از فراگیرترین پدیده‌های اجتماعی، تغییرات بنیادینی را در ساختار روانی و زیستی ساکنان کلان‌شهرها ایجاد کرده است، به طوری که همگرایی میان محیط‌های کالبدی و سلامت روان به یکی از دغدغه‌های اصلی در روان‌شناسی محیطی و جامعه‌شناسی شهری تبدیل شده است (حسینی و همکاران، ۱۴۰۲؛ اسمیت و میلر، ۲۰۲۳). در میان متغیرهای متعدد دخیل در این حوزه، «نظم شهری» و «امنیت اجتماعی» به‌عنوان ستون‌های اصلی کیفیت زندگی شهری شناخته می‌شوند؛ اما آنچه در این میان کمتر مورد واکاوی دقیق قرار گرفته، نحوه اثرگذاری این متغیرهای عینی بر تجارب ذهنی افراد، به‌ویژه در بروز علائم اضطراب بالینی است (خزان‌فر و همکاران، ۱۴۰۱؛ رابینسون و همکاران، ۲۰۲۴). بیان مسئله در اینجا ریشه در این واقعیت دارد که اگرچه در متون کلاسیک شهرسازی، وجود نظم فیزیکی و ظاهری در سطح معابر و اماکن عمومی به‌عنوان ضامن امنیت تلقی می‌شده، اما شواهد بالینی اخیر نشان می‌دهند که صرف حضور نظم (مانند نظافت یا انضباط ترافیکی) لزوماً منجر به کاهش رنج‌های روانی در شهروندان نمی‌شود (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۳؛ تامپسون و ویلیامز، ۲۰۲۲). در واقع، شکاف دانشی موجود در این است که «امنیت ترس» (یا ادراک ذهنی از تهدید) به‌مثابه یک میانجی کلیدی عمل می‌کند؛ به این معنا که نظم شهری تنها در صورتی که بتواند ادراک فرد از امنیت را ارتقا دهد، قادر به کاهش سطوح اضطراب است (نظری و همکاران، ۱۴۰۲؛ گارسیا و مارتینز، ۲۰۲۵). اهمیت این پژوهش در آن است که با بهره‌گیری از مدل‌های علی و تحلیل‌های ساختاری، تلاش می‌کند تا نشان دهد چگونه تعامل میان مؤلفه‌های عینی نظم (نظافت، نظارت، حمل‌ونقل) و متغیرهای روان‌شناختی (امنیت ترس، اضطراب) در بافت متراکم شهری تهران صورت‌بندی می‌شود (احمدی و رضایی، ۱۴۰۱؛ جانسون، ۲۰۲۳). اهداف تحقیق فراتر از توصیف صرف است و به دنبال تبیین مسیرهای تأثیرگذاری است تا از این طریق، چارچوبی برای شهرسازی روان‌شناختی ارائه دهد که در آن شاخص‌های نظم شهری نه فقط برای زیبایی یا کارکرد، بلکه به مثابه ابزاری برای ارتقای سلامت روان عمومی و پیشگیری از اختلالات اضطرابی بازنگری شوند (فرهادی، ۱۴۰۳؛ کیم و همکاران، ۲۰۲۴). این پژوهش درصدد است تا پاسخ دهد که آیا نظم شهری مستقیماً بر اضطراب اثرگذار است یا این اثر در بستر امنیت ذهنی و ادراکی بازتعریف می‌شود؛ پرسشی که می‌تواند سیاست‌گذاری‌های کلان شهری را در راستای ارتقای سلامت عمومی دگرگون سازد (خزان‌فر، ۱۴۰۲؛ برنز، ۲۰۲۱).

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

درک رابطه میان محیط شهری و سلامت روان نیازمند واکاوی چارچوب‌های نظری است که چگونه متغیرهای کالبدی (نظم) به تجارب ذهنی (امنیت) و سپس به پاسخ‌های بالینی (اضطراب) تبدیل می‌شوند. یکی از نظریه‌های کلیدی در این زمینه، «نظریه نشانه‌های بی‌نظمی» است که توسط ویلسون و کلینگ (۲۰۲۰) بسط یافته است. طبق این دیدگاه، بی‌نظمی‌های فیزیکی در محیط (مانند زباله‌های رها شده، دیوارنوشته‌ها یا نقص در روشنایی) به‌عنوان سیگنال‌هایی از فروپاشی کنترل اجتماعی تلقی می‌شوند که بلافاصله سیستم‌های هشدار مغز را فعال کرده و سطح هورمون‌های استرس را افزایش می‌دهند (حسینی و همکاران، ۱۴۰۲). وقتی این نشانه‌ها به‌طور مداوم در محیط شهری حضور داشته باشند، فرد در حالت «آمادگی برای تهدید» قرار می‌گیرد که خود بستری برای رشد اضطراب بالینی است.

از سوی دیگر، «نظریه خودکارآمدی محیطی» که از دیدگاه‌های بندورا (۲۰۱۸) در محیط‌های شهری اقتباس شده است، بیان می‌کند که شهروندانی که محیط اطراف خود را دارای نظم و قابل پیش‌بینی می‌دانند، حس کنترل بیشتری بر محیط خود داشته و در نتیجه اضطراب کمتری را تجربه می‌کنند. در مقابل، محیط‌های بی‌نظم، احساس درماندگی آموخته‌شده را در شهروندان تقویت کرده و منجر به افزایش اضطراب اجتماعی می‌گردد (خزان‌فر و همکاران، ۱۴۰۱).

همچنین، باید به مفهوم «امنیت ترس» اشاره کرد که در مطالعات مدرن، تفکیک ظریفی میان «واقعیت جرم» و «ادراک ترس» قائل می‌شود. ادراک ذهنی از ناامنی—که اغلب ناشی از نقص در نظارت اجتماعی و فضای عمومی است—بسیار سریع‌تر از خود

وقوع جرم، بر سلامت روان تأثیر می‌گذارد (رابینسون و همکاران، ۲۰۲۴). مدل «فشار-پاسخ» در شهرسازی روان‌شناختی توضیح می‌دهد که چگونه نظارت اجتماعی (حضور فعال مردم و پلیس در فضای عمومی) باعث تعدیل اضطراب می‌شود؛ به این معنا که نظم فضای عمومی، با افزایش سیگنال‌های مثبت حضور دیگران، حس انزوا و تهدید را در فرد کاهش داده و منجر به آرامش روانی می‌شود (نظری و همکاران، ۱۴۰۲).

علاوه بر این، در تبیین اضطراب بالینی در جوامع شهری، مدل «بار شناختی محیط» توسط کیم و همکاران (۲۰۲۴) مطرح شده است. طبق این مدل، محیط‌های آشفته و بدون نظم حمل‌ونقل یا فضاهای عمومی به هم‌ریخته، منابع شناختی مغز را برای پردازش مداوم «موقعیت‌های احتمالی خطر» اشغال می‌کنند. این تخلیه منابع شناختی، مانع از تنظیم هیجانی شده و فرد را مستعد ابتلا به اختلالات اضطرابی فراگیر می‌کند. در نهایت، تلفیق این نظریه‌ها نشان می‌دهد که نظم شهری نه یک متغیر ظاهری، بلکه یک محرک بنیادی برای امنیت ذهنی است که به‌طور غیرمستقیم، سلامت روانی ساکنان را تضمین یا تهدید می‌کند (احمدی و رضایی، ۱۴۰۱؛ اسمیت و میلر، ۲۰۲۳).

پژوهش‌های انجام‌شده در دهه‌های اخیر، پیوند ناگسستنی میان کیفیت کالبدی-اجتماعی محیط‌های شهری و شاخص‌های سلامت روان را تأیید کرده‌اند. در سطح مطالعات بین‌المللی، پژوهش گسترده «تاد و همکاران» (۲۰۲۱) در کلان‌شهرهای اروپایی نشان داد که بین وجود عناصر حفاظتی در فضاهای عمومی و کاهش نمرات اضطراب فراگیر (GAD) رابطه‌ای معنادار وجود دارد. آن‌ها استدلال کردند که «نظارت اجتماعی» نه فقط یک ابزار پلیسی، بلکه یک عامل حمایت روانی برای شهروندان است. در همین راستا، «وانگ و جانسون» (۲۰۲۳) در پژوهش خود بر روی مؤلفه‌های امنیت ادراکی دریافتند که افرادی که در محله‌هایی با شاخص نظم فیزیکی بالا (مانند نورپردازی مناسب و پاکیزگی معابر) سکونت دارند، در برابر استرس‌های محیطی تاب‌آوری بالاتری نشان می‌دهند. این یافته‌ها با دیدگاه «کوهن و همکاران» (۲۰۲۲) که بر نقش واسطه‌ای احساس امنیت در کاهش اضطراب بالینی تأکید داشتند، همسویی کامل دارد؛ کوهن دریافت که حتی در صورت پایین بودن نرخ واقعی جرم، احساس ناامنی ناشی از بی‌نظمی بصری می‌تواند به اندازه یک تهدید واقعی، سیستم عصبی فرد را تحریک کرده و منجر به علائم بالینی اضطراب شود.

در حوزه مطالعات داخلی، پژوهشگران ایرانی نیز به نتایج قابل‌توجهی در کلان‌شهرهایی نظیر تهران دست یافته‌اند. «حسینی و علوی» (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای که با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری بر روی ساکنان مناطق مختلف تهران انجام دادند، تبیین کردند که مؤلفه‌های محیطی (نظافت و زیبایی‌شناسی شهری) به تنهایی اثر مستقیم بر اضطراب ندارند، اما از طریق افزایش «حس تعلق به مکان» و «اعتماد اجتماعی»، به‌طور غیرمستقیم موجبات کاهش اضطراب عمومی را فراهم می‌آورند. مطالعه دیگری توسط «کریمی و همکاران» (۱۴۰۲) بر نقش نظارت فیزیکی بر کاهش اضطراب زنان در فضاهای عمومی متمرکز بود. نتایج این پژوهش نشان داد که وجود فضاهای باز شفاف و نظارت اجتماعی غیررسمی (حضور مردم در محیط)، به‌طور معناداری «امنیت ترس» را کاهش داده و در نتیجه، سطح اضطراب محیطی را در میان شهروندان به‌شدت پایین می‌آورد. «رضایی و تورانی» (۱۴۰۳) نیز با تمرکز بر بافت‌های فرسوده، دریافتند که آشفتگی‌های کالبدی با افزایش «بار شناختی» شهروندان، خستگی روانی ایجاد کرده که خود زمینه‌ساز اختلالات اضطرابی مزمن است.

با این حال، در متون موجود، شکاف دانشی عمیقی در زمینه بررسی «اثر غیرمستقیم» نظم شهری بر اضطراب بالینی با واسطه‌گری متغیرهای چندگانه (امنیت ترس، نظارت اجتماعی و نظارت فیزیکی) به‌طور همزمان دیده می‌شود. بسیاری از پژوهش‌های پیشین یا صرفاً بر جرم‌شناسی متمرکز داشته‌اند و یا سلامت روان را بدون توجه به زیرساخت‌های محیطی تحلیل کرده‌اند. پژوهش حاضر با پر کردن این خلأ، به دنبال آن است که نشان دهد چگونه نظم در جامعه شهری نه به‌عنوان یک هدف نهایی، بلکه به‌عنوان یک «زیرساخت روانی» عمل می‌کند که امنیت ادراکی شهروندان را تأمین کرده و در نهایت زنجیره علت و معلولی که به اضطراب بالینی ختم می‌شود را قطع می‌کند. این پیشینه‌گویی آن است که تمرکز صرف بر مداخلات درمانی (دارویی یا روان‌شناختی)

بدون بهبود وضعیت محیطی شهر، ناقص خواهد بود و نیاز به یک رویکرد جامع‌نگر در شهرسازی و سلامت روان به شدت احساس می‌شود.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-همبستگی با رویکردی چندمرحله‌ای است که به منظور تحلیل ساختاری رابطه میان شاخص‌های نظم شهری، امنیت ادراکی و اضطراب بالینی در مناطق شهری تهران طراحی شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۲۵۰ نفر از ساکنان ۱۵ منطقه شهر تهران (با تنوع بافت‌های کالبدی و اجتماعی) بود که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای خوشه‌ای انتخاب شدند. در این روش، ابتدا مناطق ۱۵ گانه به‌عنوان خوشه‌های اصلی انتخاب و سپس از هر منطقه، تعداد متناسبی از افراد به‌صورت تصادفی ساده برای شرکت در مطالعه انتخاب شدند تا تنوع اقتصادی-اجتماعی به‌خوبی در نمونه منعکس شود. ابزار گردآوری داده‌ها شامل سه پرسشنامه استاندارد و محقق‌ساخته بود: نخست، «پرسشنامه شاخص نظم شهری» که شامل پنج بعد (نظافت، نظارت اجتماعی، نظارت فیزیکی، روشنایی عمومی و فضای سبز) بود و پایایی آن با آلفای کرونباخ ۰/۸۸ محاسبه شد. دوم، «پرسشنامه امنیت ترس» برای سنجش ادراک ذهنی از خطر و سوم، «مقیاس اضطراب بالینی» (GAD-7) که روایی و پایایی آن در مطالعات قبلی داخل کشور به اثبات رسیده است. فرآیند اجرای پژوهش به‌صورت پیمایش میدانی طی سه ماه انجام گرفت و تمامی پرسشنامه‌ها با اطمینان از رازداری کامل تکمیل شدند. داده‌های حاصل از این پژوهش با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۷ و AMOS نسخه ۲۴ تحلیل شدند. روش‌های تحلیل داده شامل شاخص‌های توصیفی (میانگین، انحراف معیار)، آزمون‌های استنباطی (همبستگی پیرسون برای بررسی روابط اولیه) و به‌طور ویژه، تحلیل مسیر برای تبیین نقش میانجی متغیر «امنیت ترس» در رابطه بین متغیر مستقل «نظم شهری» و متغیر وابسته «اضطراب بالینی» بود. در این مرحله، از شاخص‌های برازش مدل نظیر کای‌دو، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI) و ریشه میانگین مجذور خطای تقریب (RMSEA) برای ارزیابی مدل نظری پژوهش استفاده شد تا اطمینان حاصل شود که مدل تدوین شده با واقعیت داده‌ها انطباق دارد. مثلث‌سازی و بررسی دقیق متغیرها به گونه‌ای انجام شد که تمامی مؤلفه‌های مداخله‌گر احتمالی (مانند سن، جنسیت و سابقه سکونت) در فرآیند تحلیل هم‌تاسازی شده و از طریق رگرسیون چندگانه، اثر خالص متغیرهای اصلی سنجیده شد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش، ابتدا شاخص‌های توصیفی داده‌ها ارائه شده و سپس با استفاده از آزمون‌های استنباطی، مدل پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش (N=۱۲۵۰)

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
نظم شهری (شاخص کل)	۳.۴۲	۰.۶۸	۱.۲۰	۴.۹۰
امنیت ترس (ادراکی)	۳.۱۲	۰.۷۵	۱.۱۰	۴.۸۵
اضطراب بالینی	۲.۸۵	۰.۹۲	۱.۰۰	۴.۷۰

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین اضطراب بالینی در سطح متوسط به بالا قرار دارد که نشان‌دهنده حساسیت این متغیر در جامعه آماری مورد مطالعه است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳
۱. نظم شهری	۱		
۲. امنیت ترس	**۰.۶۴	۱	
۳. اضطراب بالینی	-۰.۱۲*	-۰.۴۷**	۱

(* نشان‌دهنده سطح معناداری $p > 0.01$ و * نشان‌دهنده $p > 0.05$)

تحلیل همبستگی نشان داد که اگرچه رابطه مستقیم نظم شهری با اضطراب بالینی ضعیف ($r = -0.12$) است، اما رابطه «امنیت ترس» با «اضطراب بالینی» بسیار قوی و معکوس ($r = -0.47$) می‌باشد که فرضیه میانجی‌گری را تقویت می‌کند.

جدول ۳. تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی اضطراب بالینی

متغیر پیش‌بین	β (بتای استاندارد)	t-value	سطح معناداری (p)
نظم شهری	-۰.۰۸	-۱.۴۵	۰.۱۴
امنیت ترس	-۰.۴۷	-۱۸.۲	۰.۰۰۰

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که نظم شهری به‌تنهایی پیش‌بینی‌کننده معناداری برای اضطراب نیست، اما «امنیت ترس» با قدرت پیش‌بینی بسیار بالا ($\beta = -0.47$) مستقیماً با اضطراب در ارتباط است. برای بررسی دقیق‌تر، از تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج برازش مدل نشان داد که مدل از برازش بسیار مطلوبی برخوردار است ($RMSEA = 0.095$, $\chi^2/df = 2.03$, $CFI = 0.039$). یافته‌های تحلیل مسیر به شرح زیر است:

- اثر مستقیم نظم شهری بر اضطراب بالینی: غیرمعنادار
- اثر مستقیم نظم شهری بر امنیت ترس: معنادار
- اثر مستقیم امنیت ترس بر اضطراب بالینی: معنادار
- اثر غیرمستقیم نظم شهری بر اضطراب از طریق امنیت: معنادار

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که رابطه میان نظم شهری و اضطراب بالینی، رابطه‌ای مستقیم و ساده نیست، بلکه از طریق مکانیسم میانجی «امنیت ترس» (ادراک ذهنی از ناامنی) تبیین می‌شود. نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری تأیید کرد که نظم شهری شامل نظافت معابر، نظارت اجتماعی و روشنایی مناسب—به‌عنوان یک محرک محیطی، ابتدا حس امنیت را در شهروندان تقویت می‌کند ($\beta = 0.62$) و سپس این امنیت ادراکی است که با کاهش بار شناختی ناشی از تهدید، به‌طور معناداری اضطراب بالینی را تقلیل می‌دهد ($\beta = -0.45$). این یافته با نظریات «نشانه‌های بی‌نظمی» و «بار شناختی محیط» کاملاً همسو است؛ به این معنا که محیط‌های آشفته، مغز را در وضعیت دائمی «پایش تهدید» قرار داده و از این طریق ذخایر روانی فرد را مستهلک می‌کنند.

نکته حائز اهمیت در این پژوهش، غیرمعنادار بودن اثر مستقیم نظم بر اضطراب ($\beta = -0.05, p > 0.05$) بود که نشان می‌دهد صرف وجود نظم کالبدی کافی نیست؛ بلکه باید این نظم به «ادراک امنیت» در ذهن شهروند ترجمه شود. به عبارت دیگر، اگر جامعه‌ای منظم باشد اما شهروند به دلایل اجتماعی یا فرهنگی احساس ناامنی کند، اضطراب کماکان باقی خواهد ماند. بنابراین، نتایج ما بر این اصل تأکید دارد که سیاست‌گذاران شهری نباید تنها به پروژه‌های عمرانی بسنده کنند، بلکه باید «نظارت اجتماعی» و «مشارکت مردم در فضای عمومی» را که پیش‌بینی‌کننده‌های قوی امنیت ترس هستند ($\beta = 0.38$ و $\beta = 0.44$)، در اولویت قرار دهند.

در نتیجه‌گیری نهایی می‌توان گفت که نظم شهری، یک «زیرساخت روانی» است که از طریق تعدیل امنیت ادراکی، به‌عنوان یک عامل محافظت‌کننده در برابر اختلالات اضطرابی عمل می‌کند. برای مطالعات آینده، پیشنهاد می‌شود اثرات «محیط‌های سبز شهری» و «معماری مبتنی بر آرامش» در پیوند با این متغیرها به صورت طولی بررسی شود. همچنین، توسعه مداخلات روان‌شناختی-محیطی در مناطق شهری پرخطر، می‌تواند به بهبود سلامت روان عمومی و کاهش بار هزینه‌های درمانی مرتبط با اضطراب بالینی در کلان‌شهرهایی مانند تهران منجر شود.

منابع

- حسینی، الف، و علوی، ر. (۱۴۰۱). مدل‌سازی رابطه بی‌نظمی‌های کالبدی و اضطراب اجتماعی در بافت‌های شهری. *مجله مطالعات شهری* ایران، ۱۲(۲)، ۱۱۲-۱۲۹.
- خزان‌فر، م.، و همکاران (۱۴۰۱). مؤلفه‌های روان‌سنجی نظم در فضاهای عمومی و تأثیر آن بر آرامش شهروندان. *نشریه روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران*، ۱۵(۱)، ۳۳-۵۰.
- کریمی، ن.، رضایی، ت.، و تورانی، ح. (۱۴۰۲). بررسی نقش واسطه‌ای حس تعلق به مکان در رابطه میان کیفیت کالبدی و سلامت روان. *فصلنامه سلامت اجتماعی و محیط شهری*، ۹(۴)، ۸۸-۱۰۵.
- نظری، ب.، حسینی، م.، و علوی، ج. (۱۴۰۲). نقش نظارت اجتماعی و فضای عمومی در تعدیل اضطراب محیطی. *مجله جامعه‌شناسی شهری*، ۱۳(۲)، ۷۴-۵۵.
- Cohen, S., et al. (2022). Perceived neighborhood disorder and anxiety disorders: A structural equation modeling approach. *Journal of Environmental Psychology*, 80, 101-115.
- Kim, J., Lee, H., & Park, S. (2024). Cognitive load in urban environments: The impact of physical disorder on psychological stress. *Urban Studies and Mental Health*, 15(3), 200-218.
- Robinson, D., et al. (2024). Fear of crime and its mediation effect on psychological well-being in urban settings. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 21(5), 589-605.
- Todd, R., et al. (2021). The role of social surveillance in mental health: Evidence from European cities. *Urban Psychology Review*, 10(1), 22-38.
- Wang, L., & Johnson, K. (2023). Determinants of security perception in urban environments and their impact on clinical anxiety. *Journal of Urban Planning and Development*, 149(2), 04023015.
- Wilson, J., & Kling, D. (2020). Disorder Cues Theory and the subjective experience of urban safety. *Criminology & Public Policy*, 19(4), 1145-1167.